

«فرهیختگان» از دغدغه جدید و قابل رفع کارگران گزارش می‌دهد

هفت‌تپه روی دست‌انداز خصوصی‌سازی



زینب مزروعی

خبرنگارگروه نقد روز

آن‌طور که شنیده می‌شود، ظاهراً زخم خصوصی‌سازی بر پیکر هفت‌تپه تازه شده است. شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه که سه سالی می‌شود پس از خلع‌ید از خصوصی‌سازی و مدیریت توسط شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی جان تازه‌ای گرفته بود، روز گذشته شاهد تجمع تعدادی از کارگزارانش مقابل استانداری خوزستان بود. اما ماجرای این روزهای هفت‌تپه چیست و چرا کارگران بار دیگر نگران بازگشت خصوصی‌سازی‌اند؟

در ۲۶ تیرماه ۱۴۰۱، نماینده مردم شوش در مجلس شورای اسلامی به رسانه‌ها خبر داد که واگذاری قطعی مالکیت کشت و صنعت هفت‌تپه به شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی در نشست مشترک سران قوا به میزبانی رئیس جمهور تعیین تکلیف شد. این واگذاری طبق طرح پیمان مدیریتی به‌طور موقت و تا زمان حسابرسی و ارزیابی قیمت و بررسی بدهی‌های هفت‌تپه به شرکت توسعه نیشکر واگذار شد. قرار بر این بود که توسعه نیشکر تنها سه ماه هفت‌تپه را مدیریت کند و دولت در این مدت بدهی‌های هفت‌تپه را حسابرسی و با کسر بدهی‌ها، هفت‌تپه را ارزیابی کند و پس از آن به‌طور قطعی به مالکیت توسعه نیشکر درآید.

□ □ □

«سازمان حسابرسی مجموع بدهی‌ها را اعلام کرده‌است

محسن صباغی، فعال حوزه کارگری، گفت: «به منظور شفاف‌سازی حساب‌های مالی، اخیراً صورت‌های مالی هفت‌تپه توسط مدیران توسعه نیشکر اعلام شده است و مشخص شد که هفت‌تپه در سال‌های قبل و در دوره خصوصی‌سازی بدهی‌هایی داشته است. برای مثال، هفت‌تپه در سال‌های مختلف به شرکت‌های آب و برق بدهکار بوده یا در دوره مدیریت مالک قبلی، به بانک‌های مختلف بدهی‌های سنگینی داشته است. آنچه که خصوصی‌سازی باید در طی سه سال گذشته و پس از اتمام مدت زمان سه‌ماهه مدیریت پیمان موقت انجام می‌داد، این بود که مجدداً هفت‌تپه قیمت‌گذاری شود و از مجموع قیمت‌گذاری انجام شده، بدهی‌های هفت‌تپه کسر شود. سپس باید هفت‌تپه به شرکت توسعه نیشکر فروخته می‌شد.»

مدیران توسعه نیشکر و صنایع جانبی می‌گویند که در سه سال گذشته، تمام سرمایه‌گذاری‌ها، اقدامات زیربنایی و بازسازی‌ها تنها از منابع شرکت توسعه نیشکر انجام شده است. علی‌رغم اقدامات مثبت و همسان‌سازی حقوق کارگران توسط این شرکت، بر اساس گزارش سازمان حسابرسی از صورت‌های مالی نیشکر هفت‌تپه، این شرکت زیان ده اعلام شده است. در حالی که بدهی‌های اعلام‌شده، همه مربوط به بدهی‌های هفت‌تپه در سال‌های قبل از خصوصی‌سازی و پس از آن، یعنی در زمان مدیریت قبلی است.

پرسی‌شی که در اینجا ایجاد می‌شود این است که چرا سازمان حسابرسی، بدهی‌های قبلی هفت‌تپه را به‌صورت جداگانه اعلام نکرده است تا امروز هفت‌تپه به‌عنوان یک شرکت زیان‌ده در رسانه‌ها شناخته نشود. در حالی که مدیریت قبلی هفت‌تپه در زمان بخش خصوصی، تنها هزار میلیارد به تأمین اجتماعی بدهی داشته است. اکنون، طبق صورت‌های مالی سازمان حسابرسی، این بدهی‌ها به نام مدیریت موقت و فعلی هفت‌تپه، یعنی توسعه نیشکر، شناخته می‌شود.

صباغی، فعال حوزه کارگری، گفت: «هیئت واگذاری باید قیمت‌گذاری انجام می‌داد. بدهی‌ها کسر می‌شد و سپس سازمان خصوصی‌سازی هفت‌تپه را به مزایده می‌گذاشت. اما طبق مصوبه سران سه‌ قوه، هفت‌تپه باید به شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی واگذار شود. یعنی اگر امروز یا

شش ماه دیگر یا یک سال دیگر هفت‌تپه با هر ارزش ریالی قیمت‌گذاری شود، باید زیرمجموعه شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی واگذار شود. ماجرا این است که برای قیمت‌گذاری هفت‌تپه، سازمان خصوصی‌سازی تعلل می‌کند و قیمت‌گذاری سه سال است که انجام نمی‌شود.»

این در حالی است که عبدعلی ناصری، مدیرعامل شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی، ۲۰ مهرماه اسمال از ورود هفت‌تپه به مرحله قیمت‌گذاری برای واگذاری کامل به توسعه نیشکر خبر داده بود.

«مدیرعامل شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه: زیان‌های هفت‌تپه چندبخش دارد

علیرضا دورباشیزاده، مدیرعامل شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه، در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درباره ماجراهای اخیر این شرکت گفت: «زمانی که ما شرکت نیشکر هفت‌تپه را تحویل گرفتیم، زیان‌ده بود. اما این زیان که اکنون در حساب‌ها و صورت‌های مالی افشا شده است، چند بخش دارد. یکی از این بخش‌ها زیان سنوئاتی از سال‌های قبل است؛ یعنی زمانی که ما وارد نیشکر هفت‌تپه شدیم. زیان‌های انباشته از سال‌های گذشته وجود داشت. به‌عنوان مثال، بدهی‌هایی مانند پول آب، برق، مالیات و یابیمه. بخش دیگر اما مربوط به اقدامات صورت‌گرفته در قالب سرمایه‌گذاری توسط طرح توسعه نیشکر است. ابزارآلات لازم را خریداری کردیم. کانال‌های آب اصلاح شد. کارخانه بازسازی شد. برای این اقدامات، هزینه‌ای باید صورت می‌گرفت. اینکه امروز سطح زیرکشت به چندبرابر دوره قبل می‌رسد، نیازمند سرمایه‌گذاری است. همچنین از اقدامات دیگرمان همسان‌سازی حقوق بود. پرسنل نیشکر هفت‌تپه ۵۰ درصده نسبت به شرکت‌های دیگر طرح توسعه نیشکر حقوق می‌گرفتند. افزایش حقوق دادیم. نام این‌ها دیگر زیان نیست و این اقدامات صورت‌گرفته، سرمایه‌گذاری است.»

«بخشی از زیان‌ها در صورت‌های مالی قبلی نیامده بود

دورباشی همچنین ادامه داد: «بخش‌های دیگری از زیان‌های اعلام‌شده، طلبکاران هفت‌تپه بودند که در دوره مدیریت قبلی اصلاً به‌عنوان طلبکار نشان داده نمی‌شدند. نمونه آن، مثلاً بخش خصوصی است که وام‌هایی گرفته بود و ضمانت آن شرکت توسعه‌تپه بود. از یک بانک ۱۰۰ میلیون یورو وام دریافت شده یا از یکی از سازمان‌ها ۲ میلیارد تومان اخذ شده بود. این‌ها در صورت‌های مالی قبلی نشان داده نشده بودند. هر شرکتی که قرار بود در هفت‌تپه روی کار بیاید، این بانک‌ها و سازمان‌ها به‌عنوان طلبکاران هفت‌تپه جلو می‌آمدند. بنابراین حسابرس سازمان حسابرسی کشور به بانک‌ها و سازمان‌ها اعلام کرد که اگر از هفت‌تپه طلبی دارید، عنوان کنید. بدیهی بود که طلب‌های اعلام‌شده جدید در صورت‌های مالی جدید افشا شود، چراکه در صورت‌های مالی قبلی نیامده بود. نمی‌توان گفت که این طلب‌ها به زیان و بدهی‌های هفت‌تپه اضافه شده‌اند بلکه این طلب‌ها پیش از این پنهان بوده و اکنون کشف شده و در صورت مالی جدید افشا شده است.»

«به نام توسعه نیشکر، به کام بخش خصوصی

مدیرعامل شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه همچنین گفت: «اینکه گفته می‌شود هفت‌تپه اکنون زیان‌ده است، یک قسمت از این زیان برای سرمایه‌گذاری است. یک قسمت زیان‌های سال‌های قبل بوده و به سال‌های اخیر منتقل شده و بخش دیگر نیز طلب‌هایی بود که اصلاً در صورت‌های مالی قبلی افشا نشده بود. این زیان‌ها با اضافه شدن زیان جدید متفاوت است و فرق می‌کند. مگر می‌شود شرکتی که آخرین سال فعالیتش زیر نظر بخش خصوصی ۱۹ هزار تن تولید شکر داشت، اما پس از انتقال مدیریت به شرکت توسعه نیشکر

تولید شکرش در سال اول ۲۳ هزار تن، سال دوم ۲۸ هزار تن و سال سوم ۴۶ هزار تن شکر تولید کرد و ۳۶ هزار تن نیشکر به سایر شرکت‌های نیشکر برای تبدیل به شکر ارسال کردیم، چراکه کارخانه فرسوده بود و ظرفیت تبدیل به شکر نداشتیم؟ ما در سال جاری نیز حدود یک‌سوم نیشکرمان را برداشت کردیم و این هم در تاریخ هفت‌تپه در این فصل بی‌سابقه است. تمام این‌ها پیش‌نیاز سرمایه‌گذاری بود و این ماجرا با اضافه شدن زیان دهی متفاوت است.»

«شرکت توسعه نیشکر برای مدیریت هفت‌تپه ردیف بودجه ندارد

دورباشی عنوان کرد که ورود به زیان دهی و اعلام آن در برخی از محافل احتمالاً ناآگاهانه است و شاید نیز از روی قصد باشد. اکثر کارخانه‌های اینجا راه‌اندازی شده‌اند. ماشین‌آلات جدید خریداری شده است. برداشت از حالت دستی به حالت ماشینی تغییر پیدا کرده و اتوماسیون‌های مختلفی راه‌اندازی شده است. ۸ هزار کشت غیرنیشکری در ۳ سال اخیر داشتیم و تمام اقدامات دیگر در بخش سرمایه‌گذاری و برای بازدهی در دراز مدت هستند. مدیرعامل شرکت هفت‌تپه تأکید کرد که شرکت توسعه نیشکر از دولت ردیف بودجه ندارد و تمام سرمایه‌گذاری‌ها برای هفت‌تپه از توسعه نیشکر و صنایع جانبی صورت گرفته است.

«خنیفر، فعال کارگری هفت‌تپه: شرکت توسعه نیشکر از هیچ حمایتی دریغ نکرد

محمد خنیفر، فعال کارگری هفت‌تپه، در گفت‌وگو با «فرهیختگان» گفت که هفت‌تپه پس از خلع‌ید از بخش خصوصی ناکارآمد، به‌خواسته کارگران مدیریت این شرکت به شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی به‌طور موقت سپرده شد. شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی، مدیریت ۷ نیشکر خوزستان را به عهده دارد، اما به دلیل قدمت تاریخ تأسیس هفت‌تپه، این شرکت به‌صورت جدا از سایر نیشکرهای خوزستان مدیریت می‌شد. خنیفر در گفت‌وگو با «فرهیختگان» ادامه داد: «پس از خلع‌ید بخش خصوصی، کارگران پیشنهاد دادند که مدیریت هفت‌تپه نیز به شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی خوزستان واگذار شود. این درخواست ما در زمان ریاست جمهوری سید بزگروار مورد قبول واقع شد. اما تنها عیب ماجرا این بود که مدیریت هفت‌تپه به‌طور موقت به توسعه نیشکر واگذار و گفته شد که قرار است کارهای حسابرسی و پروکراسی اداری و ارزش واقعی هفت‌تپه تعیین شود تا تجربه قبلی تکرار نشود. تعیین قیمت و حسابرسی به امور مالی هفت‌تپه به عهده سازمان حسابرسی و سازمان خصوصی بود و ماجرای واگذاری هفت‌تپه به توسعه نیشکر در آنجا متوقف شد.»

خنیفر در گفت‌وگو با «فرهیختگان» تأکید کرد که از زمان واگذاری مدیریت هفت‌تپه به توسعه نیشکر، این شرکت از هیچ حمایتی دریغ نکرد. حقوق کارگران طبقه‌بندی شد، همسان‌سازی حقوق انجام شد و هیچ‌وقت حقوق معوق نداشتیم. مگر اینکه روز تعطیل بوده باشد. دامداری، حوضچه‌های پرورش ماهی و شرکت‌های جانبی دیگر مانند پرورش قارچ و کشت انگور هفت‌تپه راه‌اندازی شد. کارخانه رب گوجه که از بخش خصوصی ناکارآمد پس گرفته شد، کارخانه ذغال، خوراک دام و… نیز وارد چرخه شد. تمام این‌ها در حالی بود که بخش خصوصی و آشنایان مالک قبلی، می‌گفتند که قرارداد ۹۹ساله دارند. از مصدره مقداری از اراضی با مدیریت حقوقی جدید جلوگیری شد.

«تمام هدف باقی هفت‌تپه و اموال آن بود

این فعال کارگری هفت‌تپه همچنین عنوان کرد: «در این چندسال نیز

هفت‌تپه روی دست‌انداز خصوصی‌سازی

فعالان کارگری هفت‌تپه، هزینه کمی ندادند و تمام هدف ما این بود که اموال هفت‌تپه محفوظ بماند و واگذاری قطعی به شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی انجام شود. چراکه مردم و کارگران هفت‌تپه در سه سال اخیر، رنگ آرامش را بالاخره به چشم دیدند. اکنون گفته می‌شود که شرکت زیان‌ده شده و از طرفی دیگر در سازمان خصوصی سازی، فردی به روی کار آمده که طبق حکم دادگاه از هرگونه شغل دولتی، منع شده است.»

خنیفر همچنین گفت که بخش خصوصی قبلی از سوی دولت وقت حمایت می‌شد. بدهی‌های شرکت به تأمین اجتماعی پرداخت نمی‌شد، حقوق‌های کارگران و حتی هزینه آب و برق و مالیات هم پرداخت نمی‌شد. این فعال کارگری هفت‌تپه همچنین درباره تجمع روز گذشته مقابل استانداری خوزستان گفت: «بعد از تجمع و معطلی با ما رفتار بدی داشتند و در نهایت مسئول دفتر استاندار گفت که هر چه می‌خواهید به من بگویید و استاندار وقت ملاقات با شما را ندارد. ما کارگران هفت‌تپه این روزها سابه سنگین بخش خصوصی را به شدت احساس می‌کنیم. آرامش این روزهای هفت‌تپه، نمونه واقعی جهاد تبیین بود و نمونه واقعی مطالبه‌گری. بسیاری از دشمنان نظام حتی در خارج از کشور به دنبال نابودی هفت‌تپه هستند تا دیگر کسی دم از مطالبه‌گری در حوزه کارگری نزند. از تمام کسانی که دغدغه عدالت دارند، ما کارگران هفت‌تپه درخواست می‌کنیم که مثل سال‌های گذشته به داد هفت‌تپه برسید.»

«سرگذشت هفت‌تپه

شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه به‌عنوان اولین تولیدکننده شکر از نیشکر در ایران در هجدهم آذرماه سال ۱۳۴۰ افتتاح شد. شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه با وسعتی بیش از ۲۴ هزار و ۹۰۰ هکتار در نزدیکی شهر شوش و در فاصله ۱۰۰ کیلومتری شمال اهواز قرار دارد. نیشکر هفت‌تپه قدیمی‌ترین و بهترین کشت و صنعت نیشکری ایران بود که به دلایل مختلف از جمله واگذاری نادرست به بخش خصوصی در سال ۹۴ به حاشیه رانده شد و به دلیل سوءمدیریت‌ها در چند سال گذشته وضعیت نامناسبی پیدا کرد و طی این سال‌ها خانواده‌های کارگران نیشکر هفت‌تپه با مشکلات عدیده اجتماعی و خانوادگی و اقتصادی مواجه ماند. در حالی که خصوصی‌سازی شرکت‌ها باید به اهلس واگذار شود و توسط مسئولان امر در این واگذاری‌ها باید به تخصص و تجربه نیز نگاه شود تا خسارت‌های بی‌شمار پس از خصوصی‌سازی در پی نداشته باشد.

در نهایت پس از کمکش‌های فراوان و تجمعات بسیار کارگران و هزینه‌های مادی و معنوی کارگران هفته تپه، این شرکت در ۱۸ مهرماه ۱۴۰۰ با مصوبه سران قوا به شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی واگذار شد اما روند انتقال قطعی مالکیت آن هنوز صورت نگرفته است. ۱۸ اسفندماه سال ۱۴۰۲ در جریان سفر رئیس جمهور به شوش، کارگران هفت‌تپه خواستار واگذاری قطعی این شرکت به توسعه نیشکر شدند. آیت‌الله رئیسی در این سفر در محل شرکت پاک چوب شوش با تعدادی از نمایندگان کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه دیدار و نسبت به دغدغه آن‌ها برای واگذاری قطعی این شرکت به شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی قول پیگیری جدی داد.

پس از اتفاق تلخ شهادت آیت‌الله رئیسی و روی کارآمدن دولت جدید، دوباره نگرانی کارگران از واگذاری مجدد هفت‌تپه به بخش خصوصی آغاز شده و تنها خواسته اصلی کارگران هفت‌تپه انتقال مالکیت هفت‌تپه براساس مصوبه سران قوا به شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی است. اکنون باید دید در نهایت ماجرای هفت‌تپه به دست دولت پزشکیان به سرانجام خواهد رسید؟

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

رشته‌ها در دسترس نیست، اینکه گفته می‌شود دسترسی داریم یک آدرس غلط است و حرف درستی نیست.»

«هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید به آمارهای حوزه آموزش اشراف کامل دارد

کاربرد مفاهیم در ارائه اطلاعات آماری بسیار مهم است. یعنی نهاد یا شخصی که داده‌ها را جمع‌آوری کرده باید دقت بالایی در خوانش آنها به خرج دهد. برکم با اشاره به این ظرافت در به‌کارگیری کلمات گفت: «ما فقط یک خط از اخبار می‌بینیم و هیچ‌وقت در شیوه محاسبه و استاندارد محاسبه چیزی مشخص نیست و شفاف هم نیست. واقعیت این است که باید یک مرکز ارزشیابی و رصد نظام آموزشی داشته باشیم که هم مشخص و واضح شیوه محاسبه این آمارها را بدهد هم به‌صورت شفاف داده‌هایی که محاسبه‌کرده را ارائه دهد و در اختیار سیاست‌گذار و مجری و ملت قرار دهد که بتوانند از آن استفاده کنند؛ اما چنین چیزی وجود ندارد. یعنی بخش قابل‌توجهی نهاد سیاست‌گذار داریم اما نهادی که بخواهد سیاست‌گذار را تقویت کند، نداریم. به عبارتی الان آموزش و پرورش خودش هم مجری است و هم سیاست‌گذار است. شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش را هم داریم اما مشخص نیست که اینها از کجا تغذیه می‌شوند و اطلاعاتشان را از کجا می‌گیرند. جایی را نداریم که این اطلاعات را داشته باشد و پژوهشکده‌ها و شوراها و مراکز مختلفی داریم که مشخص نیست تصمیماتشان بر چه مبنایی است و خروجی آن تصمیمات را چطور ارزیابی می‌کنند. بعد از کرونا اتفاق عجیبی رخ داده و آمار ترک تحصیل صعودی بوده است. واقعیت این است آمار کسانی هم که تحصیل می‌کنند خیلی مشخص نیست. آیا کسانی که جزء آمار محصلانند به‌صورت واقعی آموزش می‌بینند یا خیر؟ اصل آموزش است. بازماندگی از حضور در مدرسه یا بازماندگی از آموزش؟ دقیقاً مسئله بر سر توجه و انتخاب کلمات است. این آمار که اعلام شده درواقع «بازماندگان ثبت‌نام در مدارسند.» یک سری ثبت‌نام شدند، یک سری آموزش ندارند، یک سری آموزش کافی ندارند و… یعنی از لحاظ محاسبه شرایط نامساعدی وجود دارد و انواع مدرسه و دانش‌آموز و معلم داریم که هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید نسبت به آنها اشراف کامل دارد.»

عادل برکم، کارشناس آموزشی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

آمار بازماندگان از تحصیل



علی ملکی

خبرنگارگروه نقد روز

بازماندگی از تحصیل، چالشی پیچیده است که روز گذشته علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش در تازه‌ترین اظهارات خود به‌ایجاد مختلف آن پرداخت. از یک سو، عدد رسمی ۷۵۰ هزار نفر برای آن اعلام شده است؛ عددی که کاظمی آن را به عوامل اجتماعی و اقتصادی نسبت داد و گفت: «دسترسی به آموزش برای همه فراهم است» اما از سوی دیگر، برخی کارشناسان و نمایندگان مجلس، این آمار را به چالش می‌کشند و آمار ثبت‌نام نشدگان در مدارس را خیلی بیشتر از این رقم اعلام می‌کنند. این اختلاف بزرگ تنها بخشی از ابهام‌هاست. حتی تعریف ساده و دقیقی از «بازماندگی از تحصیل» نیز مشخص نیست. آیا دانش‌آموزی که در مدرسه ثبت‌نام شده ولی هرگز وارد کلاس نمی‌شود، بازمانده از تحصیل است؟ یا کودکانی که به دلیل نداشتن شناسنامه به‌اشتباه در این آمار لحاظ می‌شوند، کجای این معادله قرار دارند؟ در میانه این سردرگمی، یک واقعیت تلخ باقی می‌ماند: پشت هر عدد، کودکی ایستاده که شاید حق تحصیلش به دلایلی که هیچ ربطی به او ندارد، نادیده گرفته شده است.

«وزیر: ۷۵۰ هزار بازمانده از تحصیل داریم

اما مدارسی خالی است

علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش در تازه‌ترین اظهارات خود درباره بازماندگان از تحصیل، تصویری پیچیده و چندوجهی از این مسئله ارائه داد. او با اشاره به آمار ۷۵۰ هزار نفری دانش‌آموزانی که از تحصیل بازمانده‌اند، تأکید کرد این مشکل نه به کمبود مدرسه و کلاس، بلکه به عوامل بیرونی مرتبط است. به گفته او، آموزش و پرورش برای همه دانش‌آموزان، حتی در دورافتاده‌ترین مناطق، امکان دسترسی به آموزش را فراهم کرده است. از ۵ هزار کلاس درس با کمتر از ۵ دانش‌آموز گرفته تا کتاب‌های رایگان برای ۸۰۰ هزار دانش‌آموز در سیستان و بلوچستان، همگی نشان‌دهنده تلاش‌های گسترده در این حوزه است.

^[1] علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش در تازه‌ترین اظهارات خود درباره بازماندگان از تحصیل، چالشی پیچیده است که روز گذشته

فره‌یختگان

فره‌یختگان

فره‌یختگان

رشته‌ها در دسترس نیست، اینکه گفته می‌شود دسترسی داریم یک آدرس غلط است و حرف درستی نیست.»

«هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید به آمارهای حوزه آموزش اشراف کامل دارد

کاربرد مفاهیم در ارائه اطلاعات آماری بسیار مهم است. یعنی نهاد یا شخصی که داده‌ها را جمع‌آوری کرده باید دقت بالایی در خوانش آنها به خرج دهد. برکم با اشاره به این ظرافت در به‌کارگیری کلمات گفت: «ما فقط یک خط از اخبار می‌بینیم و هیچ‌وقت در شیوه محاسبه و استاندارد محاسبه چیزی مشخص نیست و شفاف هم نیست. واقعیت این است که باید یک مرکز ارزشیابی و رصد نظام آموزشی داشته باشیم که هم مشخص و واضح شیوه محاسبه این آمارها را بدهد هم به‌صورت شفاف داده‌هایی که محاسبه‌کرده را ارائه دهد و در اختیار سیاست‌گذار و مجری و ملت قرار دهد که بتوانند از آن استفاده کنند؛ اما چنین چیزی وجود ندارد. یعنی بخش قابل‌توجهی نهاد سیاست‌گذار داریم اما نهادی که بخواهد سیاست‌گذار را تقویت کند، نداریم. به عبارتی الان آموزش و پرورش خودش هم مجری است و هم سیاست‌گذار است. شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش را هم داریم اما مشخص نیست که اینها از کجا تغذیه می‌شوند و اطلاعاتشان را از کجا می‌گیرند. جایی را نداریم که این اطلاعات را داشته باشد و پژوهشکده‌ها و شوراها و مراکز مختلفی داریم که مشخص نیست تصمیماتشان بر چه مبنایی است و خروجی آن تصمیمات را چطور ارزیابی می‌کنند. بعد از کرونا اتفاق عجیبی رخ داده و آمار ترک تحصیل صعودی بوده است. واقعیت این است آمار کسانی هم که تحصیل می‌کنند خیلی مشخص نیست. آیا کسانی که جزء آمار محصلانند به‌صورت واقعی آموزش می‌بینند یا خیر؟ اصل آموزش است. بازماندگی از حضور در مدرسه یا بازماندگی از آموزش؟ دقیقاً مسئله بر سر توجه و انتخاب کلمات است. این آمار که اعلام شده درواقع «بازماندگان ثبت‌نام در مدارسند.» یک سری ثبت‌نام شدند، یک سری آموزش ندارند، یک سری آموزش کافی ندارند و… یعنی از لحاظ محاسبه شرایط نامساعدی وجود دارد و انواع مدرسه و دانش‌آموز و معلم داریم که هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید نسبت به آنها اشراف کامل دارد.»

^[1] علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش در تازه‌ترین اظهارات خود درباره بازماندگان از تحصیل، چالشی پیچیده است که روز گذشته